

بررسی و مطالعه سفال‌های اشکانی شهرستان هرسین، بخش مرکزی

راین‌پوری*، دکتر یعقوب محمدی فر** و اسماعیل همتی انزلیانی***

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

** استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

*** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

چکیده

شهرستان هرسین یکی از مناطق زاگرس مرکزی است که دارای شرایط جغرافیایی و زیست‌محیطی مناسب مانند کوه‌ها، دره‌ها و منابع آبی فراوان برای تشکیل استقرار است. شواهد و یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهند که در دوره اشکانی این منطقه مسکونی بوده است. در پژوهش پیش رو، این منطقه به دقت مورد مطالعه قرار گرفت و تعداد ۳۰ محوطه شاخص اشکانی با سفال‌ها و داده‌های شاخص معرفی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در مجموع تعداد ۳۵۰ قطعه سفال نمونه برداری شد که ۲۵۰ قطعه مربوط به دوره اشکانی و مابقی مربوط به ادوار پیشین و پسین بودند. در این مقاله اطلاعات موجود پیرامون سفالینه‌های اشکانی منطقه ارائه شده و سپس از طریق مطالعات مقایسه‌ای و گونه‌شناسی سفال‌ها، مشخص شد که داده‌های فرهنگی منطقه با نمونه سفال‌های همزمان کدام مناطق زاگرس مرکزی شباهت دارند. ملاک‌های شناسایی و طبقه‌بندی سفال‌ها، طبقه‌بندی ارائه شده برای سفال اشکانی طبق نظر ارنی هرینک است. بر طبق مطالعات انجام شده، سفال‌های اشکانی زاگرس مرکزی شامل گونه‌هایی خاص هستند که در اکثر محوطه‌های اشکانی منطقه شناسایی شده‌اند. مطالعه سفال اشکانی منطقه، نشان از همگونی سنت سفال‌گری منطقه با بسیاری از مناطق زاگرس مرکزی دارد که ارتباط فرهنگی و تجاری را می‌توان حاصل این همگونی دانست. منطقه هرسین نیز از این رویه جدا نبوده و سفال‌های آن با اکثر نقاط زاگرس مرکزی مشابه بودند. گونه‌های سفالی شاخص منطقه در دوره اشکانی را می‌توان در چهار گروه ساده، جلینگی، منقوش و لعاب‌دار طبقه‌بندی نمود.

واژگان کلیدی: زاگرس مرکزی، هرسین، بخش مرکزی، اشکانی، سفال جلینگی.

درآمد

تحلیلی جامع بر روی سفال‌های این دوره انجام گرفت. بررسی و شناسایی محوطه‌های اشکانی منطقه نیز تا پیش از این، آنچنان که باید مورد توجه قرار نگرفته بود، لیکن در این پروژه به طور تخصصی بدین موضوع نیز پرداخته شد. در پژوهشی که توسط هرینک در چهارچوب بررسی و شناسایی سفال‌های اشکانی ایران (مرزهای کنونی) انجام پذیرفت، ایران به نه منطقه جغرافیایی تقسیم می‌شود که سفال‌های این مناطق تا حد امکان

در بهار سال ۱۳۹۳ پروژه‌ای در قالب بررسی و شناسایی باستان‌شناختی منطقه کوهستانی شهرستان هرسین و با هدف تحلیل الگوهای استقراری منطقه در دوره اشکانی توسط نگارندگان انجام پذیرفت. اهمیت این پژوهش بدان جهت بود که برای اولین بار الگوهای استقراری منطقه بررسی شده و نیز

شهرستان صرف نظر از نهرها و منابع آبی فراوان، دو رودخانه دینورآب و گاماسی‌آب جریان دارند. مهم‌ترین ارتفاعات شامل کوهستان شیرز با ۲۷۰۰ و قله بزرگ پرآب با ۲۸۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا است. دشت چمچمال و دشت هرسین و دره درآو (مرکزی) دشت‌ها و دره‌های بزرگ و مهم شهرستان هستند (چهری، ۱۳۹۳: ۱۶). اغلب پوشش گیاهی را مراتع و مزارع شکل داده‌اند اما جنگل‌های وحشی نیز به میزان کم‌تر در منطقه دیده می‌شوند (نقشه ۱).

گزارشی کلی از بررسی منطقه و مطالعه استقرارهای اشکانی

شهرستان هرسین از لحاظ موقعیت جغرافیایی-سیاسی، یکی از مناطق مهم زاگرس مرکزی است. گذر جاده شاهی از این منطقه و وجود دشت‌ها، کوه‌ها و دره‌ها، منابع آبی فراوان و پوشش گیاهی و هوای مناسب، به همراه سایر عوامل، سبب رشد جوامع در دوران تاریخی شده است. یکی از اهداف مهم این پژوهش مطالعه الگوی استقرار منطقه و میزان تاثیر آن بر محوطه‌های اشکانی، و همچنین شناسایی و معرفی داده‌های فرهنگی و سفالی منطقه بود.

بررسی از منطقه به صورت پیمایشی فشرده انجام شد و سفال‌ها به صورت تصادفی انتخاب گردید. در نهایت تعداد ۳۰ محوطه شاخص اشکانی بررسی و تعداد شش محوطه از آن‌ها برای اولین بار شناسایی شدند. بسیاری از اطلاعات مربوط به محوطه‌های دیگر نیز اصلاح گردید (جدول ۱). آثار منطقه شامل دو گونه تپه و محوطه بودند. محوطه‌ها تقریباً هم‌سطح زمین‌های اطراف بوده و کم‌تر از یک متر ارتفاع دارند، درحالی که تپه‌ها دارای ارتفاع بیش از یک متر بوده و شامل انواع مصنوعی با خاک آوار که معمولاً استقرار آن‌ها دائم است، و تپه‌های طبیعی که استقرار موقت دارند، می‌گردد. الگوهای استقرار در منطقه تاثیری چشمگیر در شکل‌گیری محوطه‌ها داشتند که در این میان نقش فاکتورهای مانند منابع آبی و ارتفاع از سطح دریا بسیار پررنگ بود. به طور خلاصه، میانگین فاصله محوطه‌ها تا رودخانه یا نهر ۹۷۰ متر بود و میانگین فاصله آن‌ها تا چشمه‌ها ۲۵۰ متر بود. همچنین متوسط ارتفاع آن‌ها از سطح دریا

به صورت مجزا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند (هرینک، ۱۳۷۶: ۲۴). لکن در این میان وضعیت سفال‌های اشکانی در غرب ایران (زاگرس مرکزی) چندان روشن نیست، البته در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی مفید در این مورد توسط محققین انجام شده است. یکی از موضوعات مهم این پژوهش دنبال نمودن سنت‌های سفال‌گری در دوره اشکانی در زاگرس مرکزی است، که برای این مهم، منطقه کوهستانی هرسین با کوه‌ها و دره‌های میان‌کوهی مختلف در نظر گرفته شد. همچنین سفال‌های بدست آمده مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته و با سایر مناطق همجوار در زاگرس مرکزی، از نظر شکل و فرم‌شناسی ظروف، مقایسه شدند. این پژوهش در دو بخش مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

پیشینه پژوهشی شهرستان هرسین

در مورد فعالیت‌های باستان‌شناسی دوران تاریخی در شهرستان هرسین، مخصوصاً بخش مرکزی، پژوهش‌های به نسبت کمی انجام گرفته است. مهم‌ترین این پژوهش‌ها شامل فعالیت‌های هیأت آلمانی شامل کلایس، کالمایر و دیگران در بیستون (۱۳۸۵)، پژوهش هرینک به عنوان شناخت سفالینه‌های اشکانی ایران در بیستون (۱۳۷۶)، بررسی و تحلیل استقرارهای اشکانی مناطقی از زاگرس مرکزی (محمدی‌فر، ۱۳۸۴)، کاوش در محوطه پارتی بیستون (کرماجانی، ۱۳۷۸) و در نهایت چندین فصل حفاری در بیستون (رهبر، ۱۳۹۳) در سال‌های پس از انقلاب تا سال‌های اخیر است.

منطقه بررسی شده و موقعیت جغرافیایی

شهرستان هرسین در ۳۵ کیلومتری شرق کرمانشاه و در خط مرزی این استان با استان لرستان قرار گرفته است. مساحت آن ۸۱۶ کیلومتر مربع و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۸۰۰ متر است. این شهرستان از شرق و جنوب به شهرستان دلفان (لرستان)، از غرب به کرمانشاه و از شمال به صحنه و دینور متصل می‌گردد. شهرستان هرسین از لحاظ جغرافیایی به دو قسمت مجزای بیستون و هرسین (بخش مرکزی) تقسیم می‌شود که این دو منطقه دارای شرایط جغرافیایی کاملاً متفاوتی هستند. در این

می‌رسد. به طور کلی در شهرستان هرسین، استقرارهای موقت و دامدار را باید در بخش مرکزی (کوهستانی) و استقرارهای دائم را باید در بیستون (دشت چمچمال و مناطق هموار) دنبال نمود. میانگین وسعت محوطه‌های منطقه ۶۴۶۰ متر مربع بود و متوسط ارتفاع آن‌ها از سطح زمین‌های مجاور ۲۰ متر است. در نهایت الگوی استقراری منطقه به خوبی شناسایی و تحلیل شده و میزان تاثیر آن بر استقرارهای اشکانی بارز و مشهود است (نقشه ۲).

طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های اشکانی منطقه

سفال از مهم‌ترین داده‌های فرهنگی مورد استفاده در پژوهش‌ها است. دوره‌بندی محوطه‌های منطقه هرسین نیز بر اساس این داده باستانی انجام پذیرفت. ملاک شناسایی محوطه‌های اشکانی در زاگرس مرکزی سفالینه‌های جلینگی است که این معیار در ابتدا توسط محققینی همچون یانگ، گف، مورتسن، سوئینی، لوئین، کلایس و کالمایر در نظر گرفته شده است (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۱۱). همچنین پژوهش‌های مشابهی که در سال‌های اخیر توسط محققین ایرانی در منطقه انجام پذیرفته نیز بر همین روال بوده است. در این پژوهش گونه‌های سفالی با دقت شناسایی شده و با نمونه‌های مشابه در برخی از محوطه‌های زاگرس مرکزی مقایسه شده‌اند. در نهایت تعداد ۳۵۰ قطعه سفال ثبت شده که تعداد ۲۵۰ قطعه از آن‌ها مربوط به دوره اشکانی و مابقی مربوط به دوران‌های پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی بود. برای شناسایی و مطالعه بهتر، سفال‌های اشکانی شهرستان هرسین را به چهار گروه طبقه‌بندی نموده‌ایم (جدول ۲ و نمودار ۲).

سفال معمولی

تعداد ۱۶۰ قطعه سفال، مجموع سفال‌های معمولی بدست آمده از این پژوهش است که بیش‌ترین گونه از سفال اشکانی منطقه را شامل می‌شود. سفال‌های معمولی در انواع متفاوتی بودند (طرح ۱). این سفال‌ها در رنگ‌های نخودی و قهوه‌ای روشن تا تیره هستند. بیش‌تر این قطعات دارای خمیره و پوشش گلی و شاموت معدنی ریز تا درشت هستند. پایه تخت نسبتاً مقعر یا حلقه‌ای، لبه‌های به بیرون برگشته و نیز لبه‌های عمودی گرد شده از دیگر ویژگی‌های این سفال‌ها است. به طور کلی بیش‌تر

۱۴۴۵ متر بود. بیش از ۹۰ درصد محوطه‌ها در پوشش مزارع و مراتع بودند. استقرارهای منطقه از نوع دائم (روستانشینی) و موقت (کوچرو و دامدار)، بود و همچنین محوطه‌های از نوع قلاع و قبرستان در منطقه وجود دارد. هیچ مرکزیت اداری و شهری در منطقه مشاهده نشد. از مجموع ۳۰ محوطه، ۱۲ محوطه تک‌دوره‌ای اشکانی بودند که سه مورد از آن‌ها قبرستان بود و در ارتفاعات (کوه‌ها و دره‌ها) قرار داشتند (جدول ۱، محوطه‌های ۱۲، ۱۴، ۳۰)، پنج محوطه هم استقرار موقت داشتند (محوطه‌های ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۵، ۲۸)، تعداد سه محوطه هم احتمالاً استقرار دائم داشتند (محوطه‌های ۷، ۸، ۱۳) و یک محوطه نیز قلعه بود (محوطه ۲). محوطه‌ها در ارتفاعات، دامنه‌ها و خصوصاً در دره‌های میان‌کوهی قرار داشتند (شکل ۱). همچنین شش محوطه نیز دو دوره‌ای (اشکانی و ساسانی) هستند که یک محوطه از آن‌ها قلعه (محوطه ۲۰)، دو محوطه استقرار موقت (محوطه‌های ۹ و ۲۷) و بقیه نیز دارای استقرار دائم بودند (محوطه‌های ۶، ۱۵، ۱۹). مابقی محوطه‌های مربوط به دوره اشکانی همراه با ادوار پیشین و پسین بودند. در نهایت، تعداد ۱۲ محوطه اشکانی استقرار دائم و تعداد ۱۲ محوطه نیز استقرار موقت داشتند. سه محوطه قبرستان و سه محوطه هم قلعه بودند (نمودار ۱). محوطه‌های تک‌دوره‌ای اکثراً موقت هستند. وسعت کم محوطه‌ها و ارتفاع کم نسبت به زمین‌های اطراف، ضخامت اندک لایه‌های باستانی، قرارگیری بیش‌تر محوطه‌ها در ارتفاعات و داخل دره‌های میان‌کوهی و تک‌دوره‌ای بودن ۴۰ درصد از آن‌ها، احتمالاً نشان از دامدار بودن اقوام ساکن در منطقه دارد و همچنین گواه عدم وجود ساختارهای اجتماعی-اقتصادی بزرگ است. با توجه به داده‌های فرهنگی خصوصاً سفال‌ها و مطالعه الگوی استقراری، یک ارتباط فرهنگی همگون و یکسان میان استقرارهایی که در کوهستان‌ها بودند با استقرارهایی که در دشت‌های میان‌کوهی و مناطق هموار قرار داشتند وجود دارد. محوطه‌های کوهستان شامل قبرستان، قلاع و استقرارهای موقت هستند درحالی که محوطه‌های واقع در دشت بیش‌تر از نوع استقرارهای دائم هستند. محوطه‌های واقع در مناطق هموار و دشت‌ها با الگوهای طبیعی ارتباط بیش‌تری دارند و الگوی پراکنش آن‌ها منظم‌تر از محوطه‌های کوهستان به نظر

داخل و خارج آن‌ها با پوشش گلی رقیق یا غلیظ پوشانده شده است. این گونه‌های سفالی در میان ظروف معمولی کیفیت ساخت مناسبی دارند که شاید به علت کاربریشان به عنوان ظروف غذاخوری باشد. سفال‌های منطقه چرخ‌ساز بوده و در رنگ‌های، نخودی روشن تا تیره و قهوه‌ای دیده می‌شوند. رنگ دیگری در منطقه مشاهده نشد. در بیش‌تر ظروف در ناحیه گردن و شانه، تزئیناتی نظیر خطوط کنده یا برجسته، نوارهای پهن عمقی و شیارهای تکی یا چندتایی دیده می‌شود (شکل ۲، جدول ۳).

ت) دسته آخر تعداد ۲۰ قطعه سفال و شامل لبه و بدنه ظروف است. سفال‌ها دارای تزئینات نقوش کنده و نقوش افزوده هندسی هستند (شکل ۳، جدول ۴). نقوش کنده آن‌ها شامل خطوط کنده مستقیم و موازی یا موج و مورب در یک یا چند خط، و نیز نقوش کنده که برخی از آن‌ها نقوش کنده ناخنی نیز نامیده می‌شوند. این نقوش شامل نقطه‌های کنده به صورت یک یا دو ردیف در خطوط مستقیم بودند. همه نقوش و خطوط کنده در ناحیه شانه یا گردن ظروف بودند اما نقوش افزوده نیز در مواردی بر روی سفال‌ها مشاهده شد که از جمله می‌توان به دواپر برجسته بر روی دسته‌ها یا بدنه برخی ظروف اشاره کرد. در مواردی نیز نقوش کنده بر روی سطح بیرونی ظروف جلینگی منطقه مشاهده می‌گردد. این سفال‌ها چرخ‌ساز بودند، پوشش گلی رقیق یا غلیظ داشتند و در نهایت میزان پخت آن‌ها مناسب بود. رنگ‌های بکار رفته در آن‌ها، بیش‌تر نخودی و سپس قهوه‌ای هستند. این سفال‌ها دارای لبه ملایم هستند، به طوری که در این ظروف، گردن و لبه ادامه و پیوسته هم است و لبه صاف و کاملاً عمودی بوده و یا اندکی بیرون‌زدگی دارد. تزئینات مذکور در ظروف متوسط معمولی دیده شد و بیش‌تر ظروف از نوع کوزه‌ها بودند. هرینک ریشه و هنر بکار رفته در این سفال‌ها را امتداد سفال‌های بین‌النهرین جنوبی و مرکزی معرفی می‌کند که متعلق به سده اول و دوم میلادی هستند (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۲۱). نمونه‌های مشابه در کنگاور، بیستون، قلعه یزدگرد، لرستان و هگمتانه مشاهده می‌شوند (آذرنوش و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

ظروف کاربری روزمره دارند. سفال معمولی اشکانی منطقه به چهار گروه طبقه‌بندی می‌شود (جدول ۲ و نمودار ۲):

الف) این گروه سفالی تقریباً فاقد هر نوع تزئینات بوده و ساده هستند. ظروف در انواع کوزه‌ها، دیگ‌ها، تنگ‌ها، ظروف روزمره و غیره دیده می‌شوند. تعداد ۷۵ قطعه از ۲۵۰ قطعه، مجموع سفال‌های این گروه است. سفال‌ها شامل انواع ظریف، متوسط و زمخت بوده و کیفیت ساخت متفاوتی دارند. پوشش آن‌ها، گلی غلیظ یا رقیق است و گاهی نیز فاقد پوشش هستند. سفال‌ها در رنگ‌های نخودی و قهوه‌ای روشن تا تیره دیده می‌شوند. لبه‌های به بیرون برگشته از ویژگی این ظروف است و کف ظروف تخت و مقعر است.

ب) گروه دوم، شامل خمره‌هاست. این سفال‌ها دارای یک یا چند نوار برجسته در ناحیه شانه یا کمر هستند. نوارها بصورت زنجیرهای به هم پیوسته است که طنابی نیز خوانده می‌شوند و به صورت افقی دور خمره‌ها پیچیده‌اند. به نظر می‌رسد هنرمند هنگام ساخت ظروف با انگشت روی نوارها فشار داده است، گاهی نیز روی این نوارها را با طرح کنده بصورت ناخنی در آورده‌اند. خمره‌ها معمولاً بدنه محکمی دارند و نوارهای زنجیری علاوه بر زیبایی، برای استحکام و استقامت بیش‌تر هم بکار رفته‌اند (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۷: ۴۴). این سفال‌ها در منطقه و در بیش‌تر محوطه‌ها به فراوانی یافت می‌شود و تعداد ۴۰ قطعه از آن‌ها نمونه‌برداری شد. سفال‌های منطقه بیش‌تر چرخ‌ساز بوده و دارای میزان پخت متفاوتی هستند، شاموت آن‌ها نیز بیش‌تر شن و سنگ‌ریزه است. این نمونه‌ها نیز مانند دیگر سفال‌های معمولی اشکانی، فاقد صیقل بوده و معمولاً با پوشش گلی غلیظ یا رقیق، سطح داخلی و خارجی آن‌ها پوشیده شده است، البته در سطح داخلی در برخی موارد هیچگونه ظرافت، پوشش و پرداختی دیده نمی‌شود و این سطح، خشن و متفاوت با سطح خارجی رها شده است. رنگ پوشش سفال‌ها شامل، قهوه‌ای روشن، تیره و مایل به قرمز تا نخودی روشن و تیره است.

پ) گروه سوم، سفال‌ها و ظروف دهانه‌باز اشکانی است. این ظروف بیش‌تر از نوع بشقاب‌ها و کاسه‌ها بودند. از این گونه سفالی تعداد ۲۵ قطعه از منطقه نمونه‌برداری شد. این سفال‌ها دارای پخت مناسب و خمیره نسبتاً ظریف بوده و اکثراً دو سطح

سفال جلینگی

گروه دوم از سفال‌های منطقه، سفال جلینگی است که در گذشته دارچینی نیز خوانده می‌شد (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۱۵). به اعتقاد هرینک، ساخت سفال جلینگی از حدود اواخر دوره اولیه اشکانی آغاز شده و رواج کامل آن در دوره میانه اشکانی بوده و به احتمال، در سده سوم میلادی از رواج افتاده است (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۱۱). سفال جلینگی سفال شاخص اشکانی غرب ایران است و در تمامی بررسی‌های انجام شده در زاگرس مرکزی ملاک شناسایی این دوره قرار می‌گیرد. از این گونه سفالی تعداد ۷۰ قطعه در ۱۹ محوطه اشکانی نمونه‌برداری شد (شکل ۴، جدول ۵). تکنیک ساخت سفال‌ها مناسب و بافت آن‌ها محکم و سخت است. خمیره آن‌ها خاکستری رنگ، منسجم و فشرده بود. روی سطح ظروف بیش‌تر پوشش گلی غلیظ یا رقیق بکار رفته و هیچ اثری از صیقل دیده نشد. سفال‌ها مربوط به ظروف ظریف و کوچک بودند اما نمونه‌های متوسط و به نسبت بزرگ نیز مشاهده گردید. تزیینات سفال‌های جلینگی نسبتاً اندک بود و شامل خطوط موازی افقی و گاهی عمودی کنده در چند خط عمقی و یا کم‌عمق است که این دو با هم متفاوت هستند. خطوط کنده عمقی، پهن، واضح و عمودی یا افقی در انواع نقش‌های هندسی دیده می‌شود و برخلاف خطوط نازک شکل یا نقش‌های هندسی مشخص و منظمی را تداعی می‌نمایند (شکل ۴، قطعات ۲۶ تا ۲۹)، ولی در تزیین خطوط کنده نازک، یک یا چند شیار کم‌عمق خطی بر روی ظرف دیده می‌شود (شکل ۴، قطعه ۳۵). در قطعه‌ای از شانه یک ظرف، بر روی سفال دو خط موازی منقوش به رنگ تیره دیده می‌شود (شکل ۴، قطعه ۲۹). هرینک سفال جلینگی را یک تولید کاملاً بومی و مستقل می‌داند و معتقد است که هیچ نشانی از تقلید از سایر گونه‌های سفالی پیشین یا همزمان در آن مشاهده نمی‌گردد (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۱۷). لکن امروزه این امر را نمی‌توان با قاطعیت پذیرفت. بخش مرکزی هرسین دارای گونه‌های متنوع سفال جلینگی است. اشکال این ظروف در منطقه شامل، کاسه‌ها و لیوان‌ها بود. در ظروف جلینگی منطقه هرسین چهار گونه لبه شاخص دیده می‌شود (شکل ۵):

الف) گونه اول شامل یک نوع لبه است که احتمالاً یک

نوآوری در تکنیک لبه‌سازی به حساب می‌آید. این تکنیک تقریباً برای اولین بار است که بدین شکل و با این دقت ساخت دیده می‌شود. در این روش، لبه سفال با یک حالت پرانتز گونه از گردن سفال فاصله گرفته به سمت خارج رفته و مجدد به داخل متمایل می‌شود. بیش‌تر کاسه‌های جلینگی منطقه بدین گونه بودند (شکل ۵، قطعه ۱ تا ۴).

ب) گونه دوم لبه‌ها شامل لبه‌هایی است که قسمت شانه، گردن و لبه مانند یک پرانتز صاف شکل گرفته است. در واقع تفاوت این گونه با گونه‌های اول در این است که در این نمونه‌ها سفال در ناحیه گردن مانند نمونه‌های پیشین از گردن جدا نمی‌شود و ادامه و پیوسته گردن است. این روش نیز بیش‌تر در کاسه‌ها و سبوها دیده می‌شود (شکل ۵، قطعه ۶ و ۷).

پ) سومین گونه از لبه، شامل لبه‌های به بیرون برگشته است. این نوع لبه در بسیاری از سفال‌های معمولی اشکانی نیز دیده می‌شود، لکن در نمونه‌های جلینگی لبه با ظرافت بیش‌تری ساخته شده است. در این ظروف لبه کاملاً از ظرف جدا شده و به بیرون برگشته است (شکل ۵، قطعه ۸، ۹، ۱۰). این نوع لبه نیز در کوزه‌ها، جام‌ها و غیره دیده می‌شود.

ت) آخرین گونه از لبه‌های سفال جلینگی نیز در ظروف معمولی اشکانی مانند انواع کوزه‌ها دیده می‌شود. در این نوع از ظروف سفال از قسمت گردن تا لبه سفال نسبتاً عمودی و صاف است و در قسمت لبه اندکی به بیرون متمایل شده است (شکل ۵، قطعه ۱۱ و ۱۲).

ظروف جلینگی در بیش‌تر مناطق زاگرس مرکزی وجود دارند. نمونه‌هایی که در حدود جغرافیایی کرمانشاه، لرستان و ایلام و نیز همدان هستند، مشابه یا یکدیگر و نیز مشابه نمونه‌های شهرستان هرسین هستند. این سفال‌ها حتی در محوطه‌های اشکانی متعلق به، دورافتاده‌ترین روستاهای کوهستانی برخی از این مناطق دیده می‌شوند. این همگونی بارز و مشهود که در ماهیت این نوع از ظروف و سفال‌ها وجود دارد، بدون تردید گویای یک ارتباط فرهنگی و تجاری-اقتصادی در زاگرس مرکزی، در دوره اشکانی است. کاوش‌ها و پژوهش‌های مختلفی که از گذشته تا کنون، در هرسین و بیستون انجام گرفته است، نشان از فراوانی این نوع سفال اشکانی در این منطقه دارد

منطقه و فراوانی استقرارهای موقت و تشریفاتی بودن این نوع ظروف، کمبود آن در منطقه هرسین نیز امری موجه است. هرچند که وجود همین تعداد از سفال‌ها نیز می‌تواند نشان از وجود ارتباطات فرهنگی و تجاری میان زاگرس مرکزی خوزستان و بین‌النهرین باشد که البته در دوره اشکانی موضوعی عادی است.

سفال منقوش

آخرین گروه سفال‌های منطقه، سفال منقوش اشکانی است. این سفال را می‌توان قدیمی‌ترین گونه شاخص سفال اشکانی دانست. ساخت سفال منقوش در غرب ایران نخستین بار در دوره اولیه اشکانی (۲۵۰-۱۷۵ ق.م) انجام پذیرفت و تولید آن تا دوره میانه ادامه داشته است (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۱۵). سفال منقوش اشکانی چرخ‌ساز بوده و از پخت مناسبی برخوردار است و خمیره آن‌ها ریز و از نوع کانی است. رنگ آن اغلب نخودی است که در نمونه‌های مایل به صورتی و نارنجی و قهوه‌ای دیده می‌شود. تزیینات نقاشی بر روی ظروف دهانه‌تنگ بر سطح خارجی و بر ظروف دهانه‌باز بر داخل ظروف انجام می‌گرفته است و گاهی نیز بر دو طرف ظرف دیده می‌شود. رنگ نقوش شامل قرمز، قهوه‌ای و نارنجی است. ظروف اغلب شامل پیاله‌ها، کاسه‌ها و بشقاب‌ها هستند. یکی از مهم‌ترین گونه‌های سفال منقوش اشکانی در زاگرس مرکزی، سفال منقوش هندسی است. در این دوره تزیینات هندسی ساده نظیر خطوط افقی بصورت تک یا چند خط موازی و خطوط تشکیل شده از دواپر متحدالمرکز، خطوط موج و غیره بر زمینه سفال‌ها دیده می‌شود. سفال‌های اشکانی منقوش منطقه کوهستانی هرسین نیز مانند سایر نمونه‌های زاگرس مرکزی هستند. این سفال‌ها تقریباً همگی شامل قطعات بدنه بوده و بدین خاطر شناسایی نوع ظرف غیر ممکن بود. در نهایت تعداد پنج قطعه سفال منقوش اشکانی از منطقه بدست آمد (شکل ۷، شکل رنگی ۴ و جدول ۷).

در بررسی انجام شده سفال منقوش اشکانی، کم‌ترین فراوانی را در میان گونه‌های سفالی این دوره در منطقه داشت و بصورت اندک دیده شد. دلیل کمبود این سفال واضح نیست، اما مقداری جای تعجب دارد، چراکه در زاگرس مرکزی و

که با این تفسیر، احتمال وجود کارگاه‌ها و کوره‌های محلی در منطقه، مربوط به ساخت این نوع سفال را، باید در نظر گرفت.

سفال لعاب‌دار

گروه سوم، سفال‌های لعاب‌دار اشکانی هستند که در بررسی به عمل آمده به همراه سفال منقوش، جزء اقلیت سفال‌ها بودند. این موضوع در حفاری‌های باستان‌شناختی انجام شده در منطقه نیز اعلام شده است (علی‌بیگی، ۱۳۸۹: ۵۰). شروع و پیدایش سفال لعاب‌دار را نیز نمی‌توان با قطعیت مشخص نمود و تاریخ‌گذاری دقیق آن مانند سفال جلینگی مبهم است، اما به احتمال شروع ساخت آن از دوره اولیه اشکانی باشد، لکن مدارک موجود نشانگر این است که این ظروف در دوره میانی (نمونه‌های نوشیجان) متداول گشته و تا پایان دوره اشکانی از آن استفاده شده است. کیفیت لعاب ظروف اشکانی مطلوب نبوده و معمولاً از بدنه جدا شده و زود از بین می‌رفته و آنچه نیز باقی مانده بصورت ترک خورده، شیشه‌ای و براق یا پودر شده درآمده است. احتمالاً سفال‌های لعاب‌دار تحت تاثیر و نفوذ هنر خارجی قرار گرفته و بیش‌تر اشکال آن‌ها ارتباط نزدیک با گونه‌های اشکانی بین‌النهرینی و سوریه‌ای دارند. این ظروف در انواع، تنگ‌ها، جام‌ها، کاسه‌ها، پیاله‌ها، بشقاب ماهی و کاسه‌های زاویه‌دار (بدنه کشتی) دیده می‌شود. هرینک معتقد است لعاب آبی فیروزه‌ای دیرتر و احتمالاً در سده اول پ.م. رواج یافته است (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۱۷).

تعداد ۱۵ قطعه سفال لعاب‌دار از منطقه بدست آمد (شکل ۶، شکل رنگی ۳ و جدول ۶). این سفال دارای لعاب‌هایی در رنگ‌های آبی فیروزه‌ای، آبی مایل به سبز و آبی کبود و نیز لعاب سبز رنگ بود که دو رنگ آبی و سبز، رنگ اصلی بودند. خمیره آن‌ها نخودی روشن، تیره و قهوه‌ای بود و دارای پخت مناسبی بودند. این ظروف در انواع کاسه‌ها و تنگ‌ها قابل تشخیص هستند. در بررسی‌ها و حتی برخی کاوش‌های زاگرس مرکزی سفال لعاب‌دار به تعداد کم گزارش شده است. برخی محققین احتمال می‌دهند که این نوع ظروف کالایی وارداتی بوده و خوزستان و جنوب بین‌النهرین مراکز مهم ساخت آن بودند. همچنین با توجه به عدم مرکزیت شهری و سیاسی در

زیاد مشاهده شد و می‌توان اذعان نمود که شاخص‌ترین گونه سفال اشکانی در منطقه بود. از مجموع ۳۰ محوطه، ۱۹ محوطه این سفال را داشتند و همچنین ۲۸ درصد از کل سفال‌های اشکانی منطقه، جلینگی بود. بررسی و گونه‌شناسی این نوع سفال نشان داد که یک نوع ارتباط فرهنگی-تجاری و یک همگونی در سنت سفال‌گری، در زاگرس مرکزی و مناطقی مانند کرمانشاه، لرستان، ایلام وجود داشته است. با توجه به فراوانی و تنوع فرم این نوع ظروف در منطقه هرسین و بیستون، و با توجه به اینکه زاگرس مرکزی، مرکز اصلی این نوع از سفال است، احتمالاً کارگاه‌های محلی ساخت این گونه سفال اشکانی، در منطقه وجود داشته است. سفال لعاب‌دار، از اندک سفال‌های اشکانی در منطقه بود. در نهایت کم‌تر از ۶ درصد سفال‌های اشکانی لعاب‌دار بودند. رنگ اصلی لعاب‌ها دو رنگ سبز و آبی بود. با توجه به محوریت ساخت این گونه سفالی در جنوب ایران و بین‌النهرین و نیز عدم وجود ساختارهای اجتماعی و شهری بزرگ در منطقه، و نسبت فراوان استقرارهای موقت، و نیز تشریفاتی بودن این گونه از ظروف، کمبود وجود آن در منطقه و نیز زاگرس مرکزی، امری موجه است. البته احتمالاً وجود ارتباط تجاری در زاگرس مرکزی دوره اشکانی، با بین‌النهرین و خوزستان، از دلایل وجود همین تعداد سفال است. دیگر سفال شاخص اشکانی، سفال منقوش است که کمیاب‌ترین گونه سفال اشکانی منطقه بود. با توجه به پیشینه سفال منقوش در تمام دوره‌های پیش از اشکانی منطقه، احتمالاً دلیل کمبود آن، کمبود پژوهش‌های باستان‌شناسی از جمله کاوش در منطقه هرسین است. این گونه سفالی، ۲ درصد از کل سفال‌های اشکانی منطقه را شامل می‌شد. سفال منقوش نیز در گستره جغرافیایی همدان تا لرستان و کرمانشاه به اشکال کاملاً مشابه در محوطه‌هایی نظیر هگمتانه، لائودیسه نهادند، سرخ‌دم لکی کوه‌دشت، و مناطقی از استان کرمانشاه، تا منطقه بیستون و هرسین مشاهده شده است. وجود این سفال در مناطق مذکور و بسیاری از دیگر مناطق زاگرس مرکزی، نشان از ارتباط فرهنگی و همگونی سنت و فرهنگ سفال‌گری در این منطقه دارد.

با وجود شواهد بدست آمده، می‌توان میزان نفوذ سنت سفال‌گری اشکانی را تا دل کوهستان‌های شهرستان هرسین دنبال

خصوصاً شهرستان هرسین که مابین دو استان کنونی کرمانشاه و لرستان قرار دارد، فرهنگ‌های زیادی از دوران پیش از هخامنشی وجود دارد. خصوصاً دوره‌های مفرغ و آهن، که اتفاقاً وجود سفال‌های منقوش مربوط به این ادوار در منطقه بسیار است. حتی، نمونه‌هایی مانند سفال منقوش آهن II (باباجان)، بسیار پیش‌تر از سفال اشکانی دیده می‌شود. همچنین سفال‌های منقوش مربوط به دوره ماد و هخامنشی نیز در منطقه موجودند. هدف از این تفاسیر بیان وجود پیشینه ساخت این نوع از سفال و تسلسل آن در دوره‌های مختلف منطقه است. در واقع سفال منقوش مانند سفال لعاب‌دار کالایی وارداتی نبوده که کمبود آن موجه باشد. پس دلیل کمبود آن را تنها باید کمبود پژوهش‌ها و کاوش‌های مربوط به این دوره در منطقه به خصوص در بخش مرکزی هرسین دانست. چرا که در کاوش بیستون (کرماجانی، ۱۳۷۸)، به نمونه‌های زیادی اشاره شده است.

پوآیند

شواهد و مدارک باستان‌شناختی گواه وجود استقرارهای دائم و موقت در دوره اشکانی، در منطقه کوهستانی شهرستان هرسین است. وجود ۴۰ درصد محوطه‌ها از نوع تک‌دوره‌ای اشکانی، و نیز ۴۰ درصد از نوع استقرارهای موقت، و سایر ویژگی‌هایی که از آن‌ها نام برده شد، معرف فرهنگ کوچ‌روی و دامداری در منطقه است. پراکنش سفال‌های اشکانی در منطقه بالا بود. سفال‌های منطقه در چهار نوع (معمولی، جلینگی، لعاب‌دار و منقوش) طبقه‌بندی شدند. بررسی سفال‌ها نشان داد که سفال معمولی کاملاً مشابه نمونه‌های هم‌نوع خود در بیش‌تر نقاط زاگرس مرکزی است. همچنین این گونه، بیش‌ترین فراوانی را در بخش مرکزی هرسین دارد. این سفال در انواع متفاوتی مانند خمره‌های مزین به نوارهای طنابی، ظروف دهانه‌باز، ظروف مزین به نقاط کنده و افزوده هندسی، و ظروف ساده که فاقد هر نوع تزئینات بودند، دیده می‌شود. کثرت بالای این گونه از ظروف می‌تواند گواه وجود کارگاه‌های محلی برای ساخت آن‌ها باشد. ۶۴ درصد سفال‌های اشکانی سفال معمولی بودند. سفال جلینگی که یکی از گونه‌های شاخص دوره اشکانی در زاگرس مرکزی است، در منطقه کوهستانی هرسین نیز به نسبت

یادآور تاریخ حضور اشکانیان در غرب ایران است. در نهایت سفال‌های منطقه، بیش‌ترین میزان شباهت را با مناطق همجوار مانند؛ بیستون، صحنه، کنگاور و ماهیدشت (کرمانشاه)، دلفان، الشتر، کوهدشت (لرستان) و تپه هگمتانه، قبرستان سنگ شیر، اسدآباد و نهاوند (همدان) داشتند.

نمود. یکی از ویژگی‌های سفال اشکانی منطقه، این بود که بسیاری از گونه‌ها، خصوصاً گونه‌های شاخص، مربوط به ادوار میانه و متاخر اشکانی بودند، که با این تفاسیر شاید بتوان نفوذ هنر سفال‌گری اشکانی، در منطقه کوهستانی هرسین را، در دوران میانه و خصوصاً متاخر اشکانی دانست. این موضوع

منابع

الف) فارسی

محوطه‌های اشکانی شمال و شمال غربی استان لرستان، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

شیشه‌گر، آرمان، ۱۳۸۴، کاوش محوطه باستانی سرخ دم لکی، فصول ۲، ۳ و ۴، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.

علی‌بیگی، سجاد، ۱۳۸۹، «از سرگیری پژوهش‌های باستان‌شناختی در محوطه پارسی بیستون»، پژوهش‌های باستان‌شناختی مدرس، سال دوم، شماره سوم، صص ۶۹-۳۹.

_____، ۱۳۹۲، «یادداشتی در باره سفال ظریف منقوش دوره سلوکی/اوایل اشکانی محوطه موسوم به معبد لائودیسه نهاوند»، در: مجموعه مقالات همایش و هم‌اندیشی تخصصی تاریخ و فرهنگ شهرستان نهاوند، پاسداشت استاد مهدی رهبر، به کوشش اسماعیل رحمانی و علی خاکسار، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری صص ۲۲۶-۲۱۱.

کامبخش‌فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۷، «گورخمره‌های اشکانی»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، پیوست ۱، تهران: نشر دانشگاهی.

کرماجانی، شهین، ۱۳۷۸، سومین فصل کاوش در بیستون، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).

کلایس و لفرام و پتر کالمایر، ۱۳۸۵، بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات

آذرنوش، مسعود، علی شریفی و آصف نوروزی، ۱۳۹۲، «معرفی و دسته‌بندی سفال‌های اشکانی به دست آمده از کاوش‌های دور دوم تپه هگمتانه»، در: مجموعه مقالات باستان‌شناسی و تاریخ شهر همدان، به کوشش علی هژبری، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص: ۱۸۸-۱۷۳.

افشاری، لیلا و امیرصادق نقشینه، ۱۳۹۳، «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوره اشکانی گورستان سنگ‌شیر همدان، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۷، دوره چهارم، صص: ۱۲۳-۱۱۷.

چهری، رامین، ۱۳۹۳، بررسی و تحلیل الگوی استقرار محوطه‌های اشکانی منطقه کوهستانی شهرستان هرسین (بخش مرکزی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (منتشر نشده).

رهبر، مهدی، ۱۳۹۳، «نتایج فصل ششم کاوش‌های بیستون»، در: مجموعه مقالات باستان‌شناسی در بیستون، به کوشش حسین راعی و مژگان خان‌مرادی، تهران: انتشارات ایران‌نگار، صص ۸۰-۶۴.

_____ و سجاد علی‌بیگی، ۱۳۹۰، «گزارش پژوهش‌های باستان‌شناختی به منظور مکان‌یابی معبد لائودیسه در نهاوند»، پیام باستان‌شناسی، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال هشتم، شماره پانزدهم، صص ۱۶۰-۱۳۳.

سبزی‌دوآبی، موسی، ۱۳۹۴، بررسی و تحلیل الگوهای استقرار

محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۴، بررسی و تحلیل آثار و استقرارهای اشکانی در زاگرس مرکزی، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

هرینک، ارنی، ۱۳۷۶، سفال ایران در دوران اشکانی، ترجمه حمیده چوبک، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

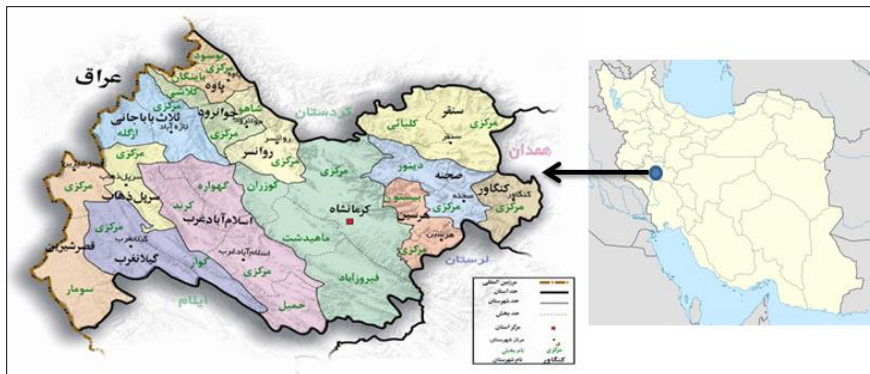
سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

مافی، فرزاد، علی بهنیا و محمد بهرام زاده، ۱۳۸۸، «توصیف، طبقه بندی و گونه شناسی سفال دوره اشکانی شهرستان قروه»، پیام باستان‌شناس، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال ششم، شماره دوازدهم، صص: ۱۰۴-۸۵.

(ب) غیرفارسی

Rahbar, M. & Alibaigi, S., Haerincq, E., & Overlaet, B., 2014, "In Search of the Laodike Temple at Laodikeia in Media/Nahavand, Iran", *Iranica Antiqua*, Vol. XLIX, pp. 301-329.

تصاویر

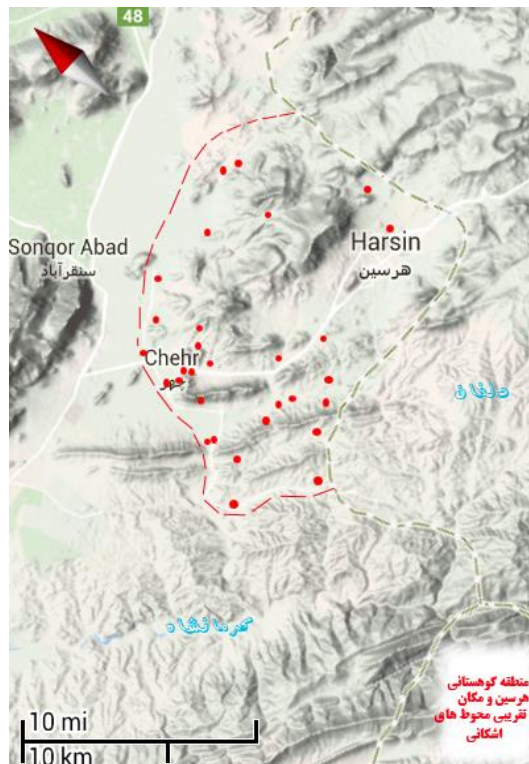


نقشه ۱: موقعیت شهرستان هرسین و شهرستان‌های مجاور (نگارندگان)

جدول ۱: محوطه‌های اشکانی منطقه کوهستانی هرسین همراه با مشخصات آن‌ها

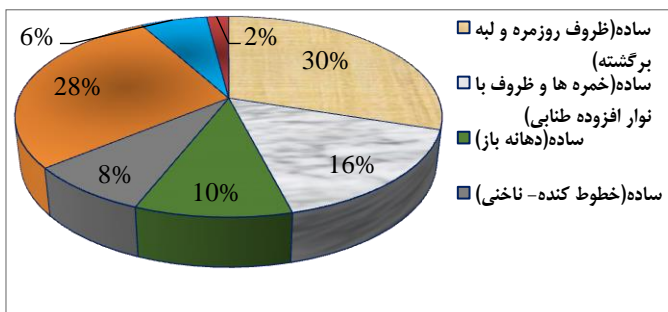
شماره	نام محوطه	ارتفاع از دریا	ارتفاع از زمین‌های اطراف	مساحت (m ²)	پیش از تاریخ تا عصر آهن	(هخامنشی- ساسانی)	اشکانی	اسلامی	داده‌ها
۱	تپه فراش	۱۲۹۰	۴	۷۵۰۰	-	ساسانی	*	*	سفال
۲	تپه گوهره	۱۳۴۰	۳	۵۰۰۰	-	-	*	-	سفال
۳	تپه بز آباد	۱۳۲۲	۲/۵	۱۱۴۴۰	-	تاریخی	*	*	سفال
۴	تپه لته چیا چهر	۱۲۹۶	۱	۱۰۰۰۰	-	تاریخی	*	-	سفال
۵	تپه شمس آباد	۱۳۱۰	۱۵	۹۰۰	مس سنگی میانی، جدید، مفرغ	ساسانی	*	-	سفال، ابزار سنگی
۶	چشمه بیگی	۱۳۰۰	۶	۲۵۸۰۶	-	ساسانی	*	-	سفال
۷	تپه منبع آب پاسار	۱۳۱۷	۱۵	۲۴۳۰۰	-	-	*	-	سفال
۸	محوطه در باخ چهر	۱۳۱۸	۰	۱۰۰۰۰	-	؟	*	-	سفال، ابزار سنگی
۹	بان باخ چهر	۱۳۲۳	۸۰ سانتی‌متر	۱۱۲۵	-	ساسانی	*	-	سفال
۱۰	تپه دارو چهر	۱۳۹۵	۱۵	۳۰۰۰	آهن	-	*	-	سفال

ابزارسنگی									
سفال	-	*	ساسانی	آهن	۵۰۰۰	۵۰	۱۴۵۰	کارخانه آسفالت چهر	۱۱
سفال	-	*	-	-	۲۸۰۰		۱۵۰۰	تپه کوه‌قلا چهر	۱۲
سفال	-	*	-	-	۹۳۰۰		۱۵۱۵	تپه چغا گلی	۱۳
سفال	-	*	-	-	۱۵۷۰	۱۰	۱۴۳۸	تپه برافتاو	۱۴
سفال	-	*	ساسانی	-	۴۸۰۰	۶	۱۵۰۰	تپه نام کاول هرسین	۱۵
سفال	-	*	-	مس سنگی؟، آهن	۷۵۰	۱	۱۶۰۷	چغا مخمره هرسین	۱۶
سفال	-	*	-	-	۳۰۴۰	۷/۵	۱۵۱۶	ژر زرسکل بابازید	۱۷
سفال	-	*	-	-	۲۰۰۰	۵	۱۴۰۰	تپه ریوان	۱۸
سفال	-	*	ساسانی	-	۹۸۴۰	۱۰	۱۳۸۲	قبر الله‌وردی صوفیوند	۱۹
سفال	-	*	ساسانی	-	۱۰۵۰	۱۰۰	۱۴۶۰	چغاخرینه صوفیوند	۲۰
سفال	-	*	-	آهن	۲۰۰۰	۱۰	۱۴۸۲	قبرستان اسحقوند	۲۱
سفال، شیشه	*	*	؟	آهن	۳۰۰۰	۴	۱۵۱۳	تپه کلکشوند	۲۲
سفال	-	*	-	-	۱۰۰۰	۳/۵	۱۷۶۳	تپه چوارمله بالندر	۲۳
سفال	-	*	-	آهن	۹۰۰۰	۹	۱۶۴۵	تپه آواز گوهره	۲۴
سفال	-	*	-	-	۶۹۴۴	۸	۱۴۰۲	تپه خورتاو سرماج	۲۵
سفال	*	*	ساسانی	-	۱۴۰۰۰	۵	۱۴۷۶	قبرستان شادآباد	۲۶
سفال	-	*	ساسانی	-	۵۶۰۰	۲۵	۱۴۱۵	تپه چرمی سوار	۲۷
سفال	-	*	-	-	۱۰۰۰	۱۰	۱۶۸۰	تپه گرگه‌چال زازرم	۲۸
سفال	*	*	ساسانی	-	۹۰۰۰	۴۰	۱۴۹۰	روه‌نگاه پشت تنگ	۲۹
سفال	-	*	-	-	۲۷۰۰	۲۰۰	۱۵۰۰	تپه سبت چهر	۳۰

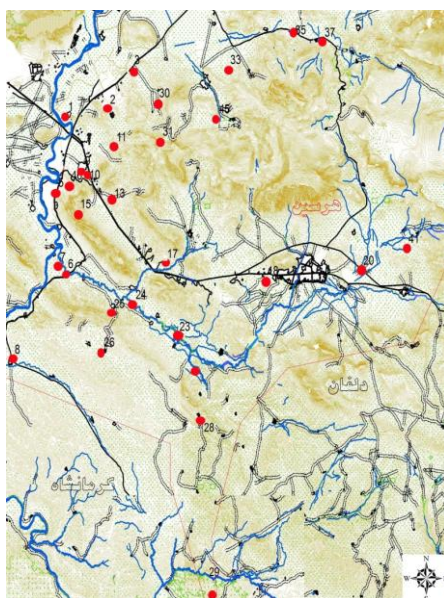
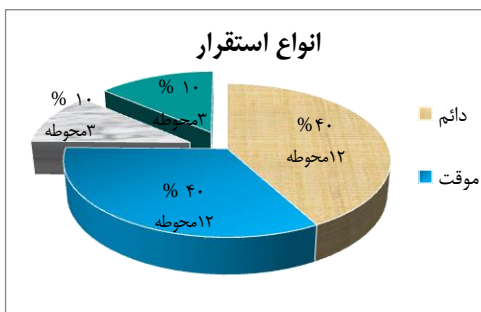


شکل ۱: تصویر توپوگرافی از منطقه و محوطه‌های اشکانی (google map)

نمودار ۲: پراکنش سفال‌های اشکانی هر سین



نمودار ۱. انواع استقرارهای اشکانی منطقه



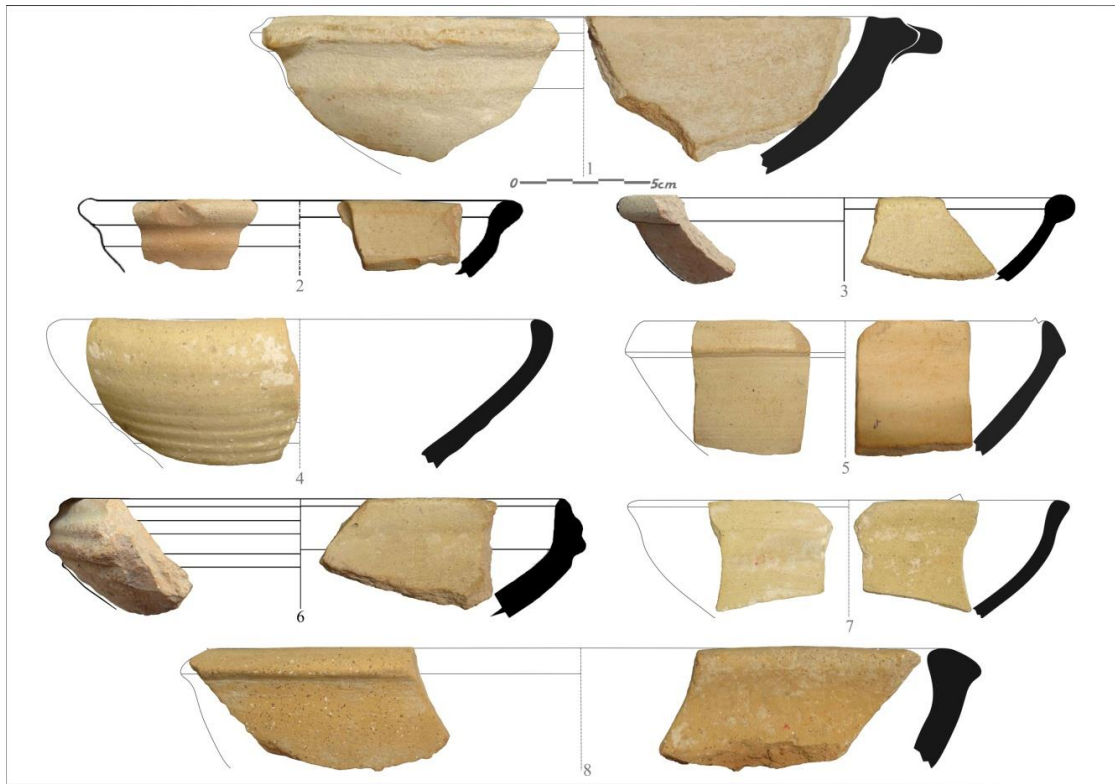
نقشه ۲: نقشه GIS پراکنش محوطه‌های اشکانی منطقه

جدول ۲: طبقه بندی گونه‌های سفالی اشکانی هر سین

سفال	تعداد سفال	درصد سفال
سفال های جلبیگی	۷۰	۲۸
مجموع سفال جلبیگی	۲۵۰	۱۰۰
سفال های منقوش	۵	۲
منقوش اشکانی	۲۵۰	۱۰۰
سفال های لعاب‌دار	۱۵	۶
لعاب‌دار اشکانی	۲۵۰	۱۰۰
انواع سفال های ساده اشکانی	۷۵	۳۰
ساده (ظروف روزمره و لبه برگشته)	۴۰	۱۶
ساده (خمیره ها و ظروف با نوار افزوده طنابی)	۲۵	۱۰
ساده (ظروف دهانه باز)	۲۰	۸
ساده (کنده ناخنی، خطوط کنده)	۱۶۰	۶۴
مجموع	۲۵۰	۱۰۰
کل سفال های اشکانی		



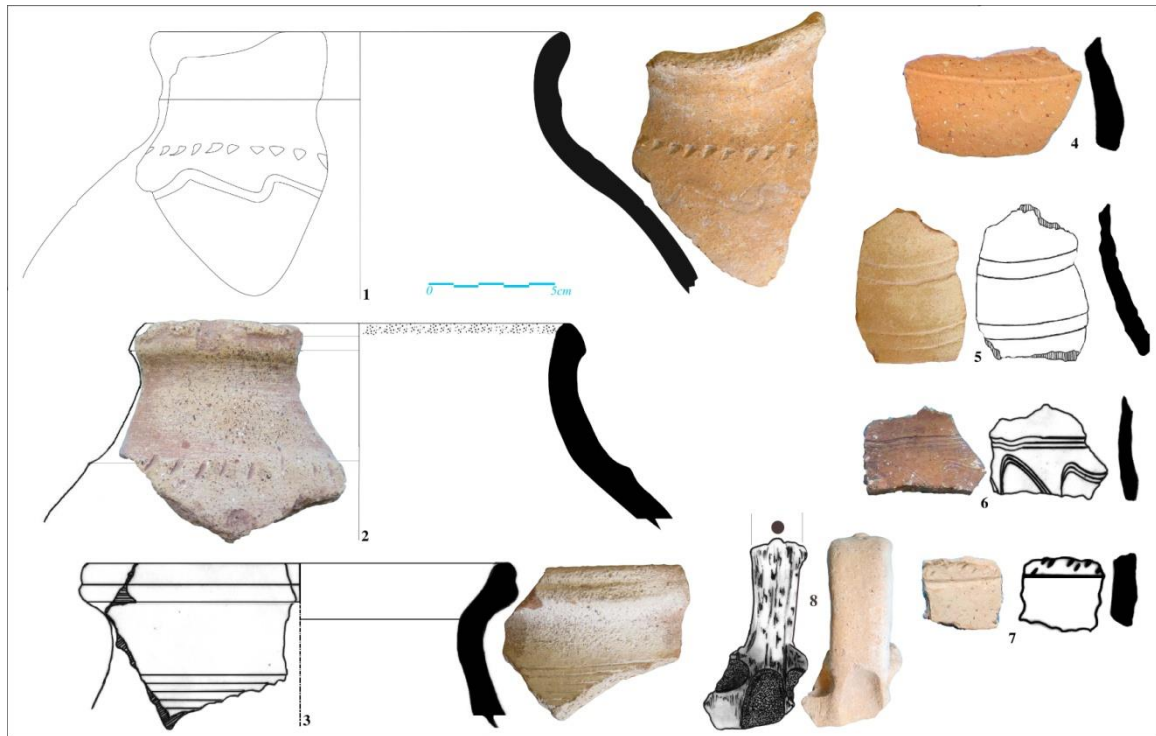
طرح ۱: ظروف معمولی اشکانی (نگارندگان)



شکل ۲: تصویر و طرح سفال‌های دهانه‌باز (طرح از نگارندگان)

جدول ۳: مشخصات فنی سفال‌های دهانه‌باز

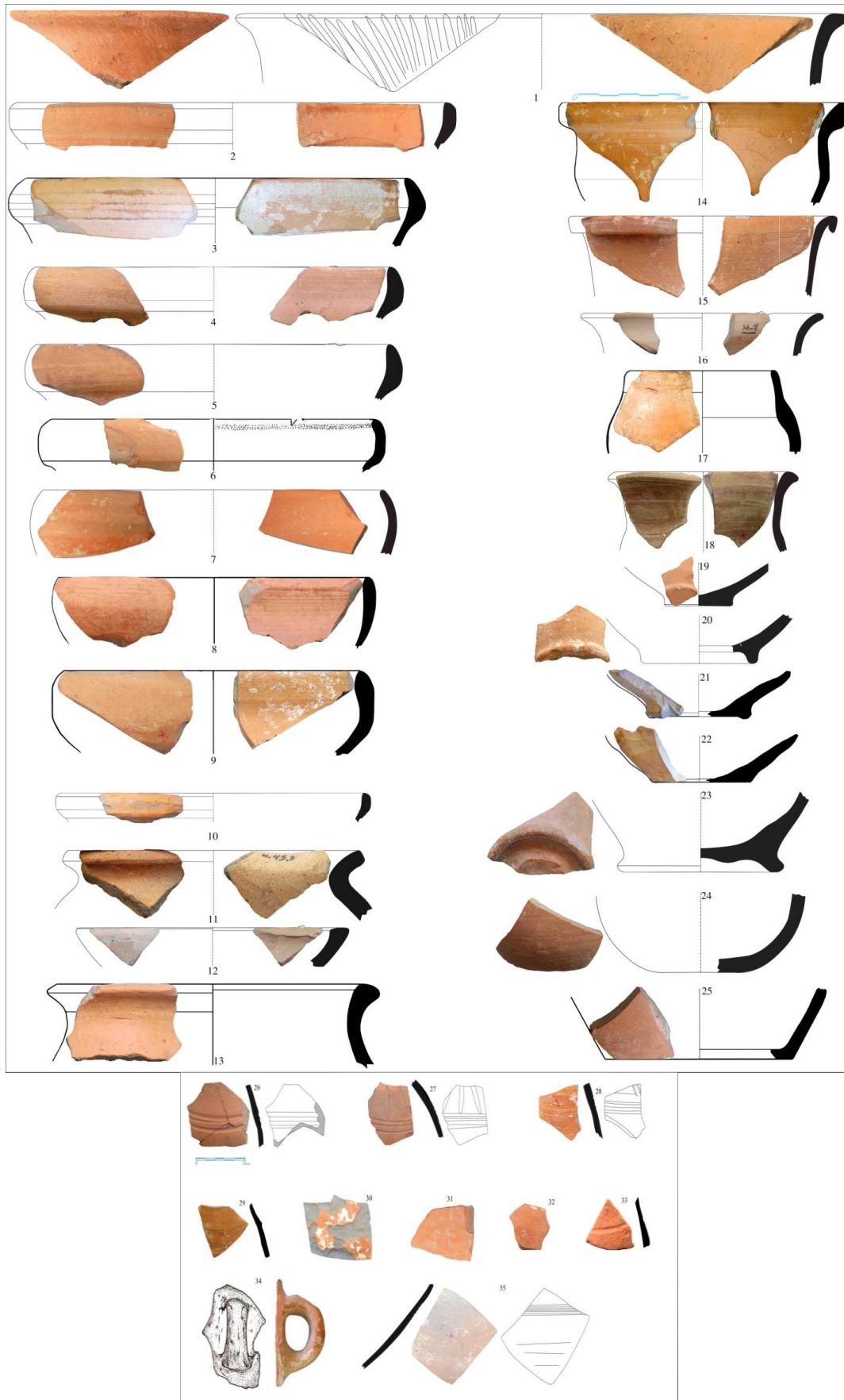
ردیف	نوع سفال	شیوه ساخت		میزان پخت	نوع پوشش		رنگ			توصیف	منبع مقایسه
		کاشی	چرخ‌ساز		رنگ سفید	رنگ زرد	رنگ قهوه‌ای	رنگ قهوه‌ای	رنگ قهوه‌ای		
۱	ساده	چرخ‌ساز	کاشی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	نخودی	نخودی	نخودی	دهانه‌باز، لبه، بشقاب	سبزی دوآبی، ۱۳۹۴: ش ۴-۷:۱
۲	ساده	چرخ‌ساز	کاشی	مناسب	گلی رقیق	گلی رقیق	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	دهانه‌باز، لبه، بشقاب	کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: فصل ۱۳، ش ۱۳
۳	ساده	چرخ‌ساز	کاشی	مناسب	گلی رقیق	گلی غلیظ	نخودی	نخودی	نخودی	دهانه‌باز، لبه، بشقاب	شیشه‌گر، ۱۳۸۴: تصویر ۹۱، ۱۰
۴	ساده	چرخ‌ساز	کاشی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	نخودی	نخودی	نخودی	دهانه‌باز، لبه، جام	مافی و دیگران، ۱۳۸۸: لوح ۱۸:۴
۵	ساده	چرخ‌ساز	کاشی	مناسب	گلی رقیق	گلی رقیق	بز	بز	نخودی	دهانه‌باز، لبه، کاسه	آذرنوش و دیگران، ۱۳۹۲: طرح ۵۲:۲۳؛ کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: ف ۱۳، ش ۱۰؛ شیشه‌گر، ۱۳۸۴: ۹۱: ۲۵
۶	ساده	چرخ‌ساز	کاشی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	نخودی	نخودی	نخودی	دهانه‌باز، لبه، بشقاب	کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: ف ۱۳، ش ۱۳؛ محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۱۷: ۱۱
۷	ساده	چرخ‌ساز	کاشی	مناسب	گلی رقیق	گلی رقیق	نخودی	نخودی	نخودی	دهانه‌باز، لبه، جام	کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: ف ۸، ش ۶؛ علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۴: ۱۲
۸	ساده	چرخ‌ساز	کاشی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	دهانه‌باز، جام؟	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۴: ۱۷



شکل ۳: تصویر و طرح سفال‌های با نقش کنده (طرح از نگارندگان)

جدول ۴: مشخصات فنی سفال‌های نقش کنده و خطوط هندسی

ردیف	نوع سفال	شیوه ساخت		میزان پخت	نوع پوشش		رنگ			توصیف سفال	منبع مقایسه
		رنگ	نوع		رنگ	درز	رنگ	درز	رنگ		
۱	ساده	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	گلی رقیق	گلی رقیق	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	لبه، کوزه، کنده ناخنی	هرینک، ۱۳۷۶: شکل ۱۸، ص ۱۲۳، ش ۱۸
۲	ساده	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	گلی رقیق	گلی رقیق	نخودی	نخودی	نخودی	لبه، کوزه، کنده ناخنی	هرینک، ۱۳۷۶: شکل ۱۸، ص ۱۲۳، ش ۱۸؛ محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۱:۵
۳	ساده	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	گلی رقیق	گلی رقیق	نخودی تیره	نخودی	نخودی	لبه، کوزه، خطوط کنده موازی	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۶: ۳۴
۴	ساده	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	گلی رقیق	گلی غلیظ	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	شانه، خطوط کنده مستقیم	آذرنوش و دیگران، ۱۳۹۲: طرح ۵: ۲۷
۵	ساده	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	شانه، خط کنده افقی	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۷: ۴۰
۶	ساده	چرخ‌ساز	کانی	نا مناسب	گلی رقیق	گلی رقیق	خاکه تری	بور	بور	بدنه، خطوط کنده مستقیم و موج	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۵: ۴۷
۷	ساده	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	گلی رقیق	گلی غلیظ	نخودی	بز	بز	بدنه، خطوط کنده و نقاط کنده ناخنی	محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۵: ۶

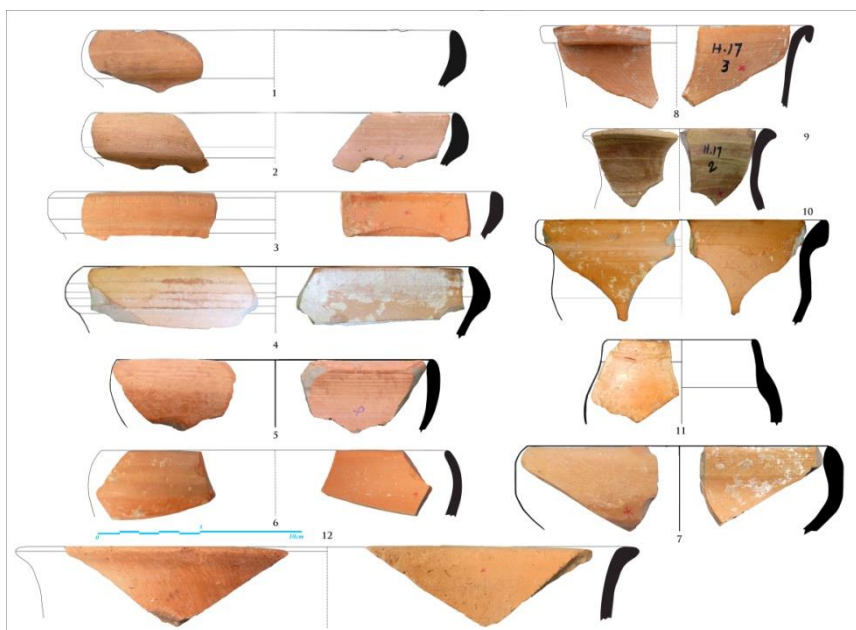


شکل ۴: تصویر و طرح سفال‌های جلینگی (طرح از نگارندگان)

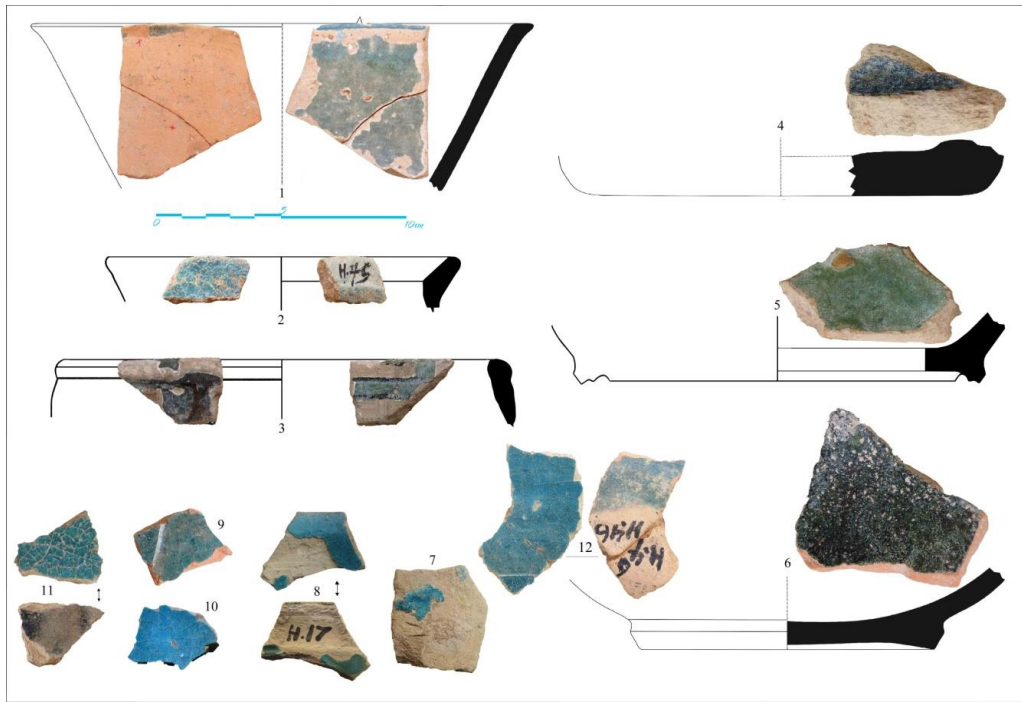
جدول ۵: مشخصات فنی سفال‌های جلینگی

ردیف	نوع سفال	شیوه ساخت		میزان پخت	نوع پوشش		رنگ			توصیف سفال	منبع مقایسه
		چرخ	کافی		گلی	گلی	قهوه‌ای	قهوه‌ای	خاکستری		
۱	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای	قهوه‌ای	خاکستری	قدح - نقش - کنده	محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۶، ۱
۲	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی رقیق	گلی رقیق	قهوه‌ای قرمز	قهوه‌ای قرمز	خاکستری	کاسه	کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: فصل ۱۳، ش ۵
۳	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	بور	بور	خاکستری	لبه - کاسه	رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ش ۴: ۱۸؛ علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۶: ۱؛ سبزی دوآبی، ۱۳۹۴: ش ۴-۳
۴	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای تیره	قهوه‌ای تیره	خاکستری	کاسه	هرینک، ۱۳۷۶: ش ۱۵: ۸؛ کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: فصل ۱۳، ش ۵
۵	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای	قهوه‌ای	خاکستری	کاسه	کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: فصل ۱۳، ش ۵
۶	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای تیره	قهوه‌ای تیره	خاکستری	کاسه	هرینک، ۱۳۷۶: ش ۱۵: ۸؛ کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: فصل ۱۳، ش ۵
۷	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای قرمز	قهوه‌ای قرمز	خاکستری	کاسه	کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: فصل ۱۳، ش ۵؛ محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۱۴: ۵؛ علی‌بیگی، ۱۳۸۹: ش ۹: ۱
۸	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای قرمز	قهوه‌ای قرمز	خاکستری	کاسه	کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: فصل ۱۳، ش ۵؛ سبزی دوآبی، ۱۳۹۴: ش ۴-۳: ۱۵
۹	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	نخودی تیره	نخودی تیره	خاکستری	کاسه	کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: فصل ۱۳، ش ۵؛ محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۱۴: ۶
۱۰	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	نارنجی	نارنجی	خاکستری	لبه - کاسه؟	کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: فصل ۱۳، ش ۵؛ سبزی دوآبی، ۱۳۹۴: ش ۴-۳
۱۱	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی رقیق	گلی رقیق	قهوه‌ای پرورش	قهوه‌ای پرورش	خاکستری	دیگچه	کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: فصل ۱۳، ش ۴
۱۲	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی رقیق	گلی رقیق	نخودی تیره	نخودی تیره	خاکستری	کاسه	رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ش ۴: ۳۰؛ سبزی دوآبی، ۱۳۹۴: ش ۴-۳: ۵
۱۳	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای پرورش	قهوه‌ای پرورش	خاکستری	لبه	شیشه‌گر، ۱۳۸۴: تصویر ۹۴: ۷۷
۱۴	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	نارنجی	نارنجی	خاکستری	لبه - شانه کاسه	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۵: ۴؛ کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: فصل ۱۳، ش ۴
۱۵	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای قرمز	قهوه‌ای قرمز	خاکستری	پیاله	محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۳۵: ۸
۱۶	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	خاکستری	خاکستری	خاکستری	قدح	سبزی دوآبی، ۱۳۹۴: ش ۴-۵؛ کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: فصل ۱۳، ش ۲۰
۱۷	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای قرمز	قهوه‌ای قرمز	خاکستری	پیاله	محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۳۳: ۵
۱۸	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	بور	بور	خاکستری	پیاله	رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ش ۴: ۱؛ سبزی دوآبی، ۱۳۹۴: ش ۴-۲
۱۹	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای قرمز	قهوه‌ای قرمز	خاکستری	کف، پیاله	کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: فصل ۱۳، ش ۷
۲۰	جلینگی	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای نارنجی	قهوه‌ای نارنجی	خاکستری	کف، پیاله	کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: ف ۱۳، ش ۷؛ محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۱۶: ۱۱؛ شیشه‌گر، ۱۳۸۴: تصویر ۹۹: ۱۵۲

۲۱	جلینگی	جرخ ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای	قهوه‌ای	خاکستری	کف، پیاله	سبزی دوآبی، ۱۳۹۴: ش ۴-۵: ۷
۲۲	جلینگی	جرخ ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	خاکستری	کف	رهبر و علی بیگی، ۱۳۹۰: ش ۴: ۶۰؛ سبزی دوآبی، ۱۳۹۴: ش ۴-۶: ۱۶
۲۳	جلینگی	جرخ ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای قرمز	قهوه‌ای قرمز	خاکستری	کف، پیاله	شیشه‌گر، ۱۳۸۴: تصویر ۹۹: ۱۵۰؛ علی بیگی، ۱۳۸۹: تصویر ۹
۲۴	جلینگی	جرخ ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای قرمز	قهوه‌ای قرمز	خاکستری	کف، کاسه	شیشه‌گر، ۱۳۸۴: تصویر ۹۹: ۱۵۸؛ افشاری و نقشینه، ۱۳۹۳: تصویر ۱۵: ۱
۲۵	جلینگی	جرخ ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای	قهوه‌ای	خاکستری	کف	علی بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۷: ۸۱
۲۶	جلینگی	جرخ ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای قرمز	قهوه‌ای قرمز	خاکستری	بدنه- شیارافقی	علی بیگی، ۱۳۸۹: تصویر ۹
۲۷	جلینگی	جرخ ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای	قهوه‌ای	خاکستری	بدنه، شیارافقی و عمودی	Rahbar et al., 2014: Fig. 9: 16؛ کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: فصل ۱۳، ش ۴
۲۸	جلینگی	جرخ ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای	قهوه‌ای	خاکستری	بدنه، شیاردار	آذرنوش و دیگران، ۱۳۹۲: تصویر ۴، ۵
۲۹	جلینگی	جرخ ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای نارنجی	قهوه‌ای نارنجی	خاکستری	شانه و گردن، خط برجسته	-
۳۱	جلینگی	جرخ ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای	قهوه‌ای	خاکستری	بدنه	افشاری و نقشینه، ۱۳۹۳: تصویر ۱۴: ۳
۳۲	جلینگی	جرخ ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای قرمز	قهوه‌ای قرمز	خاکستری	بدنه	-
۳۳	جلینگی	جرخ ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	نارنجی	نارنجی	خاکستری	شانه	-
۳۴	جلینگی	جرخ ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	خاکستری	دسته	-
۳۵	جلینگی	جرخ ساز	کانی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	خاکستری	خاکستری	خاکستری	بدنه	علی بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۵: ۴۵



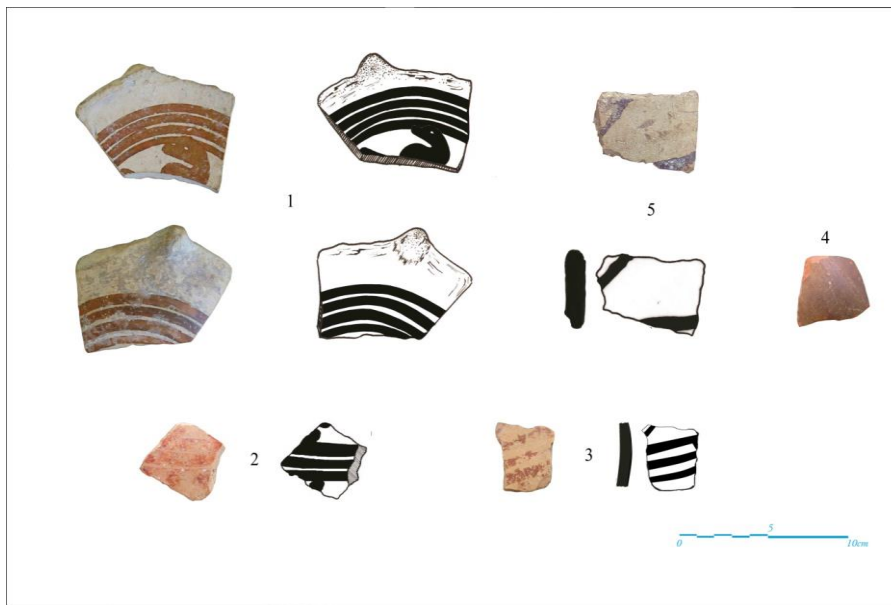
شکل ۵: تصویر و طرح لبه‌های گوناگون ظروف جلینگی (طرح از نگارندگان)



شکل ۶: تصویر و طرح سفال‌های لعاب‌دار (طرح از نگارندگان)

جدول ۶: مشخصات فنی سفال‌های لعاب‌دار

ردیف	نوع سفال	شیوه ساخت		میزان پخت	نوع پوشش		رنگ		توصیف سفال	منبع مقایسه
		شاموت	ساخت		درونی	رونی	درونی	رونی		
۱	لعاب‌دار	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	لعاب‌دار	گلگی	سبز کدر	نخودی	لبه، جام	هرینک، ۱۳۷۶: ش ۴:۱۷
۲	لعاب‌دار	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	لعاب‌دار	لعاب‌دار	آبی روشن	آبی روشن	لبه، کاسه؟	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۱۲: ۳۴
۳	لعاب‌دار	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	لعاب‌دار	لعاب‌دار	سبز تیره	سبز تیره	لبه، تنگ	-
۴	لعاب‌دار	چرخ‌ساز؟	کانی	مناسب	لعاب‌دار	گلگی	آبی تیره	نخودی	کف، ؟	-
۵	لعاب‌دار	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	لعاب‌دار	گلگی	سبز	نخودی	کف	آذرنوش و دیگران، ۱۳۹۲: شکل ۳
۶	لعاب‌دار	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	لعاب‌دار	لعاب‌دار	سفید	سبز تیره	کف	-
۷	لعاب‌دار	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	لعاب‌دار	لعاب‌دار	آبی روشن	آبی روشن	بدنه	آذرنوش و دیگران، ۱۳۹۲: شکل ۳، ۱۲
۸	لعاب‌دار	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	لعاب‌دار	لعاب‌دار	سبز تیره	آبی تیره	لبه، کاسه؟	-
۹	لعاب‌دار	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	لعاب‌دار	لعاب‌دار	آبی تیره	آبی تیره	بدنه	-
۱۰	لعاب‌دار	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	لعاب‌دار	لعاب‌دار	آبی تیره	آبی تیره	بدنه	-
۱۱	لعاب‌دار	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	لعاب‌دار	لعاب‌دار	دودی	آبی	فوهه ای	-
۱۲	لعاب‌دار	چرخ‌ساز	کانی	مناسب	لعاب‌دار	لعاب	آبی تیره	آبی تیره	گردن	-



شکل ۷: تصویر و طرح سفال‌های منقوش (طرح از نگارندگان)

جدول ۷: مشخصات فنی سفال‌های منقوش

ردیف	نوع سفال	شبه ساخت	میزان پخت	نوع پوشش		رنگ				
				رنگ زمینه	رنگ خطوط	رنگ خطوط	رنگ خطوط	رنگ خطوط		
۱	منقوش	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	نخودی	نخودی	نخودی	منبع مقایسه Rahbar et al., 2014: Fig. 7 آذرنوش و دیگران، ۱۳۹۲: تصویر ۲: ۳؛ شیشه گر، ۱۳۸۴: تصویر ۹۷: ۱۲۷
۲	منقوش	چرخ ساز	کافی	مناسب	صیقلی	صیقلی	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	علی بیگی، ۱۳۹۲: تصویر ۱۳، ۲
۳	منقوش	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی رقیق	گلی رقیق	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	آذرنوش و دیگران، ۱۳۹۲: تصویر ۱، ۶
۴	منقوش	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای	قهوه‌ای	بور	-
۵	منقوش	چرخ ساز	کافی	مناسب	گلی غلیظ	گلی غلیظ	خاکی	خاکی	خاکی	علی بیگی، ۱۳۹۲: تصویر ۱۱: ۱-۳

